

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان: نقد نصرانیت و گفتارهای عجیب اسقف بزرگ مسیحیان کاتولیک
گروه ۲: پاسخ‌های مربوط به حقانیت اصل ادیان آسمانی
شماره: ۴

نوع پاسخ: نوشتاری و صوتی
— پاسخ صوتی را در پایین متن دریافت نمایید.
تاریخ ثبت: یازدهم خرداد هزار و چهارصد و سه

سؤال: در سال‌های اخیر اظهارات جدیدی توسط پاپ فرانسیس بزرگ مسیحیان کاتولیک ابراز شده است که با اعتقادات خود مسیحیان (نصاری) نیز مخالف است. او از جمله در خطبه خود گفته است:
کلیسای کاتولیک دیگر به جهنم معتقد نیست، زیرا این موضوع با عشق خداوندی تعارض دارد و آدم و حوا و طوفان نوح و یا طبقات هفت گانه آسمان و ... که در انجیل قرآن تورات و بسیاری از کتب مقدس دیگر آمده داستانی بیش نیستند. او مستند خویش را در این اظهارات علم امروز بشر و مغایرت این علم با اعتقادات قبلی اعلام می‌کند و ادعا می‌کند که با تفکر و دعا فهم جدیدی از برخی عقاید به دست آورده است.
اگر ممکن است در این زمینه توضیح دهید.

پاسخ نوشتاری:
حمد خداوندی را که بشر را خلق نمود و برای هدایت او پیامبران را از جانب خویش مبعوث کرد و راه رشد را در مقابل گمراهی از برای آنها واضح نمود. ولی افسوس که برخی عوض اخذ به هدایت الهی، دین را ابزاری جهت رسیدن به مطامع خویش و ریاست باطل قرار داده و اعتقادات و دستورات حق را تحریف کرده و می‌کنند.
پاسخ به این موضوع از نوبتگاه قابل بررسی می‌باشد؛ یکی بررسی تحریف اصل دین پیامبر بر حق، مسیح عیسی بن مریم در گذشته، و دوم انحرافات تازه اظهار شده توسط رهبر فعلی کلیسای کاتولیک.

الف تحریف اصل دین پیامبر بر حق مسیح عیسی بن مریم در گذشته:

واضح است که مسیحیت قبل از رهبر فعلی کاتولیک‌ها نیز دستخوش انحرافات زیادی بوده است. آثار اولیه این انحراف از همان ابتدا و در قرن اول میلادی مشاهده می‌شود. خصوصاً پس از اظهار مسیحی شدن شخصی بنام پولس این آثار به وضوح قابل ردیابی است.

پولس که امروزه در میان مسیحیان حتی بعنوان شخص دوم مسیحیت شناخته می‌شود، همان فردی است که بعد از عروج عیسی بن مریم، در حال دشمنی با مسیحیان واقعی و شکنجه و آزار آنها، ناگهان تغییر موضع می‌دهد؛ و با ادعای دیدن یک مکاشفه غیر عادی خود را مسیحی اعلام می‌کند.

پولس پس از آنکه در چهره دوست وارد مسیحیت می‌شود، ایجاد انحرافات عمیق از قبیل نسبت الوهیت دادن به عیسی و ترک رعایت برخی از سنت‌ها مانند ختنه کردن مردان را القا می‌کند. و در مورد ارتباط او با وصی بر حق عیسی بن مریم یعنی شمعون صفا که او را پطرس می‌نامند، هرچند تاریخ موجود که باز می‌تواند متأثر از تحریفات باشد، سعی بر آن دارد که این دو را همسو نشان دهد، ولی؛

اولاً: طبق مأخذ معتبر اسلامی مسلم است که شمعون برخلاف پولس از مسیر اصلی عیسی خارج نشده است، و ثانیاً مواردی از اختلافات و مخالفت‌های واضح همچون جریان انطاکیه میان این دو مشاهده می‌شود (۱).
همچنین در حدیثی از قول امام موسی بن جعفر علیه السلام، پولس تحت عنوان شخصی معرفی می‌شود که (مسیحیت را منحرف) و نصرانیت را ابداع نمود، و همراه فرعون و نمرود در بدترین جایگاه‌های دوزخ می‌باشد (۲).

چند نمونه از انحرافات شاخص مسیحیت از گذشته تا کنون، عبارتند از:

۱- نسبت الوهیت دادن و فرزند خدا بودن به عیسی بن مریم، به دلیل معجزاتی که از او سر زد و خصوصاً مرده زنده کردن او به انن خداوند.

در حالی که علاوه بر دلایل مختلف در رد این ادعا، یکی از براهین واضح در ابطال این مورد آن است که؛ چه قبل از ایشان و چه بعد از او، پیامبرانی با معجزات مشابه آمده بودند، پس چرا این نسبت به آنها داده نمی‌شود؟!

از جمله طبق آنچه که به صراحت در کتاب عهد عتیق از مجموعه کتاب مقدس مورد قبول مسیحیان، در فصل چهارم کتاب دوم ملوک ذکر گردیده؛ از یکی از پیامبران بنام یثع [الیشاع] که ظاهراً همان یسوع است که در قرآن از او یاد می شود، چندین معجزه سر می زند، و از جمله آنکه با دعا به درگاه خداوند فرزند مرده زنی را که از او در این مورد کمک می خواهد زنده می کند (۳)؛ پس اگر این نسبت به این دلیل از برای عیسی ثابت باشد، باید برای یسوع نیز که قبل از ایشان بوده است نیز ثابت باشد.

و در مورد بعد از عیسی نیز، علاوه بر قرآن صدور معجزاتی همچون معجزات عیسی از پیامبر آخرالزمان طبق مآخذ مختلف قطعی است؛ و از جمله طبق آنچه که در کتاب عیون اخبار الرضا نقل شده است، پیامبر خاتم به درخواست قریش علی بن ابی طالب را با پیام خویش به قبرستان فرستادند و علی بن ابی طالب از طرف ایشان تعدادی از اموات را با نام صدا زده و آنها را به آن خداوند زنده کردند (۴). ولی اهل اسلام به چنین خطایی نرفتند و چنین ادعاهای باطل در مورد پیامبر خویش ابراز نکردند.

۲ - تثلیث: یعنی سه گانه باوری که علی رغم ادعای یکتا پرستی، با یک ایده کاملاً غیر توحیدی وجود خداوند در سه بُعد، خدای پدر و خدای پسر (عیسی) و خدای روح القدس تعریف می شود؛ در حالی که طبق اتفاق نظر مورخان حتی در انجیل های تحریف شده موجود نیز هیچ جا آشکار چنین چیزی ذکر نشده است، و اولین بار این موضوع در قرن دوم توسط شخصی بنام ترتولیان مطرح می شود و در قرن چهارم به عنوان عقیده رسمی مسیحیان به تصویب می رسد، که این موضوع باطل و بدعت بودن آن را هرچه بیشتر بر ملا می کند (۵).

۳ - انحراف معنای پیامبری از مسیر اصلی آن: مسیحیان خود را به عنوان یکی از ادیان ابراهیمی معرفی می کنند، یعنی ادیانی که معتقد به خداوند یکتایی هستند که بشری را برای هدایت سایرین فرستاده است؛ مانند آنچه در مورد خود ابراهیم و موسی و پیامبر اسلام ذکر می شود. به علاوه واژه پیامبر نیز شامل پیام آوری به غیر از خود پیام دهنده می باشد که از طرف پیام دهنده، پیام او را به دیگران ابلاغ می کند؛ که این معنی، با نسبت الوهیت دادن به عیسی بن مریم و خود او را نمادی از خداوند دانستن منتفی می شود.

۴ - عدم قبول پیامبری پیامبر خاتم بعد از عیسی، در حالی که؛
اولاً: اگر قرار بود بعد از عیسی پیامبری نباشد، علی القاعده بایستی عیسی خود را به عنوان خاتم پیامبران معرفی می کرد.

ثانیاً: می دانیم که شخصی به نام یوسف و ملقب به برنابا از مبلغین مهم مسیحیت در قرن اول میلادی است، که طبق نقل های تاریخی او در ابتدا با پولس همراه می باشد و سبب موجه شدن پولس در نزد سایرین می گردد، ولی پس از مدتی با او به شدت به اختلاف خورده و از هم جدا می شوند.

برنابا همچنین انجیلی را می نویسد که از همان ابتدا مطرح می باشد، ولی ظاهراً به دلیل اختلاف اساسی آن با مطالب بدعت گذاشته شده در مسیحیت و محو حقایق، و از جمله نفی اولهویت عیسی و تثلیث و نفی کشته شدن او و معرفی پیامبر خاتم در انجیلش، با انجیل او مخالفت می شود؛ و سرانجام در سال 325 میلادی در شورای نیقیه انجیل او غیر رسمی معرفی می گردد. سپس آن انجیل طی حدود دو قرن توسط پاپ های مختلف به عنوان یکی از کتب ممنوعه اعلام می گردد و به تدریج محو می گردد.

ولی در قرن پانزدهم میلادی یک نسخه از آن که در انحصار پاپ سیکستوس بوده است توسط درباریان خارج می شود و بعد از حدود دو قرن، در نهایت از کتابخانه دربار سلطنتی وین سر در می آورد و از زبان ایتالیایی به انگلیسی و سپس زبان های دیگر، از جمله فارسی ترجمه می شود. همچنین در قرن هجدهم یک نسخه اسپانیایی با برگه های پوشیده از همین انجیل یافت می گردد و پس از ترجمه به زبان انگلیسی، مشاهده می شود که تفاوت مهمی با نسخه ایتالیایی آن ندارد (۶). پس واضح است که حقیقت اعلام پیامبر خاتم در انجیل و فرمایشات عیسی بن مریم موجود بوده ولی توسط منحرف کنندگان محو می شود.

۵ - حلال کردن میگساری: حتی در همین کتاب مقدس موجود و مورد ادعای مسیحیان؛ در تورات و کتاب عهد عتیق، در موارد قابل توجهی با میگساری و مصرف شراب برخورد شده است (۷). و در عهد جدید موجود نیز در انجیل لوقا در وصف صفات نیکوی یحیی بن زکریا، زشتی میگساری واضح می گردد. و در رساله پولس به افسسیان به صراحت می گوید: مست شراب مشوید که در آن فجور است (۸). حال با توجه به این حقایق و این که واضح است که توسط شراب مست کننده عقل زائل می شود و چون عقل زائل شود هر

جنابیتی ممکن است توسط شخص رخ دهد، چطور ممکن است چنین اکاذیبی صحیح باشد که عیسی بن مریم به عنوان فرستاده الهی و مامور احیای عقول در مردم، در مجلس عروسی به عنوان معجزه آب را به شراب تبدیل کند تا حاضرین بیاشامند؛ و یا در شب قبل از عروجش به دیگران نان و شراب تعارف نماید؟!

ب - انحرافات تازه اظهار شده توسط رهبر فعلی کلیسای کاتولیک:

مغایرت اظهارات جناب پاپ فرانسیس با ته مانده اعتقادات صحیح در مسیحیت موجود و ضدیت آن با اندک حقایق باقی مانده در تورات و انجیل های تحریف شده، نیاز به اثبات ندارد. چرا که خود او با صراحت و بی پروا این مطلب را اظهار می کند، و معیار خود را علم امروز بشر اعلام می نماید؛ و آنچنان است که گویا ایشان می خواهد، پس از حدود دو هزار سال، آنچه از حقایق که پولس و امثال او پس از انحراف در مسیحیت باقی گذاشتند را نیز از میان بردارد. و اکنون با توجه به مخالفت صریح ایشان با متون کتاب مقدس مسیحیان و یهودیان، از جمله این جامعه مسیحیت و حتی یهودیت است که بایستی در دفاع از عقاید خویش با او برخورد نماید.

البته مسلمانا مسیحیان پروتستان و ارتودکس علی الظاهر در چنین برخوردی با مشکل مواجه نمی شوند؛ ولی کاتولیک ها که طبق اعتقاد نادرستشان اطاعت پاپ هر زمان را لازم می دانند، ممکن است در این زمینه با چالش مواجه شوند. ولی بایستی ببیندیشند که آنها پاپ را در چارچوب اعتقادات شان و عمل به کتاب شان عهده دار امور خویش قرار داده اند، و هرگاه او خلاف آن عمل نماید و منکر آن شود، اصل موضوع و ریاست او بر آنها منتفی می گردد. و آنچه که در بالا در مورد انحرافات قبلی ذکر شد، بهر حال مسیحیان موجود دین شان را با همان انحرافات انتخاب کرده اند، ولی در پذیرش انحرافات جدید و انکار اصول دین مورد قبول شان، حتی با منطق درونی خودشان نیز هیچ حجتی ندارند.

از طرفی هر چند گفته های پاپ در رد حقایق حتی با استناد به مستند مورد ادعای خودش، یعنی علم امروز، نیز انطباق ندارد، و نادرستی آن واضح است. ولی باز هم طبق روال بر سبیل توضیح هر چه بیشتر وضاحت، مختصرا می گوئیم:

۱ - آیا جناب پاپ باورهای دینی که او را به این مقام رسانده و او را در واتیکان حاکم نموده است را، و از جمله اعتقاد به بهشت و جهنم را، از جانب خداوند آگاه به همه چیز می داند یا خیر؟ که اگر این اعتقادات را از جانب غیر خداوند می داند، انصاف آن است که سریعا از پست خود فاصله بگیرد، چرا که مبنای ریاستش بر هم می ریزد. و اگر از جانب خداوند عالم به کون و مکان می داند، هنگامی که به فرض بین علم امروز و فرموده های خداوند تعارض حاصل شود، بر اساس عقل بایستی کدام را ترجیح دهد؟

۲ - بهتر است جناب پاپ منظورش را از نوع تعارض میان اعتقادات صحیح و علم امروز در هر مورد به طور مستدل تعیین نماید. چرا که اهل علم می دانند که فرضیه ها علم نیستند و قابل دگرگونی می باشند. و اگر مثلا منظور جناب پاپ تعارض خلقت انسان از آدم و حوا با فرضیه داروین و امثال آن می باشد، و بر اساس این فرضیه ها خلقت انسان از آدم و حوا که در کتب آسمانی ذکر شده است را رد می کند، ضعف برهان او در نزد هر صاحب عقل سلیمی واضح است!

۳ - پاپ گفته است: وجود جهنم با عشق خداوندی تعارض دارد! در حالی که در نزد کدام نص و کدام عقل سلیم، قرار است محبت و دوستی خداوند همواره علاوه بر مومنین و نیکوکاران، شامل حال کافرین و معاندین و مجرمین و ستمگران و خونریزان و... نیز باشد؟

وانگهی، آیا محبت خداوند نسبت به دوستان مظلومش ایجاب نمی کند که برای آنها از کسانی که به آنها ظلم و ستم روا داشته اند و پافشارانه حقوق آنها را زایل کرده اند و آنها و زن و کودکان شان را کشته اند و اموال آنها را غارت کرده اند، انتقام بگیرد؟ و آیا ترک چنین عقوبتی بی اعتنائی و بی محبتی به دوستانش نیست؟

۴ - و در مورد طوفان نوح نیز، معلوم نیست دلیل جناب پاپ در مورد رد آن و تکذیب صریح کتاب مقدس مورد قبول خود مسیحیان چیست؟

اگر می گوید: نمی شود خداوند بندگان خود را عقوبت نماید، می گوئیم: علاوه بر سایر دلایل، این تنها نمونه نیست. و امروزه هم به صورت های مختلف، از قبیل زلزله ها و سیل ها و طوفان ها... این موضوع مشاهده می شود. و اگر گفته شود: این ها عوامل طبیعت است، می گوئیم: مگر طبیعت با اراده و تقدیر کسی به غیر از خداوند یکتا اداره می شود؟

و اگر ایشان و یا هرکس دیگر، همچون منکرین کتاب‌های آسمانی بگویند: ما تا دلیل محسوسی در این مورد نیبینیم آن را تصدیق نمی‌کنیم، می‌تواند به مقاله کشتی جناب نوح و انواع موجودات، در بخش مقالات همین سایت مراجعه کند.

۵- در مورد طبقات آسمان نیز تعجب است که جناب پاپ فرانسیس چگونه آن را مخالف علم امروز اعلام می‌کند، در حالی که علم امروز نه توانسته است مفهوم واضحی از منظور خداوند در مورد آسمان‌های هفت‌گانه ترسیم کند، و نه توانسته است ادعا کند که تمامی اقطار آسمان‌ها را درنور دیده و ترسیمی قطعی (نه فرضی) از موقعیت موجود دارد. و کدامین عقل و برهان می‌پذیرد که کسی دو مجهول را با یکدیگر مقایسه نماید و یک کدام از آنها را رد نماید. چه برسد به آنکه آنچه را رد می‌نماید، متصل به وحی و گفتار خداوند باشد!!

۱) (از جمله مراجعه شود به مقاله؛ پولس و انحرافات او، در مسیحیت در وب سایت:

www.jscenter.ir

۲) (روضة الواعظین، محمد بن فتال نیشابوری، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، قم ۱۳۶۸ش، ص ۵۰۷)
۳) (کتاب مقدس، کتاب عهد عتیق، ترجمه ویلیام گلن و فاضل خان همدانی، انتشارات اساطیر، چاپ سوم، تهران ۱۳۸۸ش، ص ۷۰۲)

۴) (عیون اخبار الرضا، محمد بن علی بن حسین، انتشارات جهان، تهران، ج ۱ ص ۱۶۰)

۵) (از جمله مراجعه شود به مقاله؛ تثلیث، در وب سایت:

<https://fa.wikipedia.org>

۶) (از جمله مراجعه شود به مقاله؛ برنابا، در وب سایت:

<http://fa.wikifegh.ir>

۷) (از جمله مراجعه شود به:

—تورات سیفر تثنیه، فراز ۲۱. و سیفر اعداد، باب ۶، فراز ۳. و سیفر داوران، باب ۱۳، فراز ۴

—و کتاب اشعیای نبی، باب ۵، فراز ۲۲

۸) (از جمله مراجعه شود به:

—انجیل لوقا، باب اول، فراز ۱۶ — ۱۳

—رساله پولس به افسسیان، باب ۵، فراز ۱۸
